صحیحه ای موثقه عبد الکریم بن عمرو؟

> **عن محمد بن أبي عمير، عن حفص بن البختري وغيره، عن عبد الكريم ابن عمرو قال: قلت لأبي عبد الله عليه السلام إني جعلت على نفسي أن أصوم حتى يقوم القائم، فقال (ص) ولا تصم في السفر ولا العيدين ولا أيام التشريق ولا اليوم الذي يشك فيه. ورواه الصدوق باسناده عن عبد الكريم بن عمرو، ورواه في (المقنع) أيضا كذلك ورواه الكليني عن علي بن إبراهيم، عن أبيه، عن ابن أبي عمير، عن كرام قال: قلت لأبي عبد الله عليه السلام وذكر مثله إلا أنه قال: ولا اليوم الذي يشك فيه من شهر رمضان. ورواه الشيخ باسناده عن محمد بن يعقوب مثله[1]**

از روایت سوم صحبت شد. تنها کلامی در سندش بود. عبد الکریم بن عمرو واقفی بود. عرض کردم در نرم‌افزار، وقتی از کافی نقل می‌کنند، گفته بودند صحیح است. اما در جایی‌که از تهذیب نقل کرده بودند موثقه گفته بودند. وجه آن را نمی‌دانم. اگر وجهش این است که این روایت را در ایام استقامتش نقل کرده، نمی‌دانم. حفص و غیر از او، قبل از اینکه او به وقف برود، از او نقل کرده‌اند، نمی‌دانم. شما به نتیجه‌ای رسیدید که دلیل اینکه در کافی گفته بودند صحیح است و در تهذیب گفته بودند موثق است؟

شاگرد: از کسانی که در اینجا کار کرده‌اند پرسیده‌ام، این مورد خاص را نگفتند. اما گفته‌اند نمونه‌هایی داریم که مربوط به کدونیسی است. فرمودید که مربوط به ایام استقامت است، یادم آمد که خیلی از واقفه را در نرم‌افزار، می‌نویسند که این در ایام استقامتش این روایت را نقل کرده است. خیلی‌هایشان هم این را نمی‌نویسند. وجه تفاوت اینها را می‌دانید؟ چون من که از خودشان پرسیدم گفتند سران واقفیه که عناد در وقف داشتند، علی القاعده در زمان وقف که بین اصحاب و آنها درگیری بود، دیگر از آنها حدیث نقل نمی‌کردند. حال شواهد و قرائن ایشان چیست، من نمی‌دانم. ولی ادعا این است. لذا نسبت به سردسته‌های آنها که در وقف عناد دارند، می‌نویسند که ظاهر این است که این روایت را در ایام استقامتشان گفته باشند.

استاد: علی ای حال همین حدیث سوم را در مستند عروه، آورده‌اند. البته در موسوعه ایشان هم آمده است. ایشان تعبیر کرده‌اند که صحیح است. می‌گویند صحیحه عبد الکریم بن عمرو[2]. مثل تعبیری است که در نرم‌افزار در کافی آمده است.

شاگرد: طریق صدوق همه صحیح هستند؟

استاد: در مقنع ضعیف و در فقیه ظاهراً موثق ذکر کرده باشند. شاید به‌خاطر واقفی بودن او باشد. درباره فقیه فرموده‌اند: «وروا الصدوق باسناده عن عبد الكريم بن عمرو»؛ «باسناده» یعنی مشیخه مستقیماً به عبد الکریم بر می‌گردد که بعید است.

شاگرد۲: در طریق صدوق همه آن‌ها امامی هستند. فقط خود عبد الکریم.. .

استاد: یعنی در فقیه کل سند آمده است یا مشیخه است؟

شاگرد: در معجم الرجال آقای خوئی که طریق صدوق را به کرام آورده‌اند به این صورت است.

استاد: خب پس خود کرام صاحب کتاب است که مرحوم صدوق در فقیه از او در مشیخه نقل کرده است. منظور من همین بود. این حرف دیگری است که خودش صاحب کتاب است که مرحوم صدوق در مشیخه به کتاب او طریق دارند.

علی ای حال مفادی که این روایت داشت، نهی بود. یادم نیست که از مفاد حدیث بحثی مانده یا نه. این روایت سوم بود.

---

[1] وسائل الشيعة - ط الإسلامية ج۷ ص۱۶

[2] المستند في شرح العروة الوثقى ج۱۱ ص۷۲؛ ومنها صحيحة عبدالكريم بن عمرو ـ الملقّب بـ : كرام

بازبینی #2
ایجاد شده 18 مه 2026 14:40:49 توسط ... .
به روزرسانی شده 18 مه 2026 14:44:54 توسط ... .